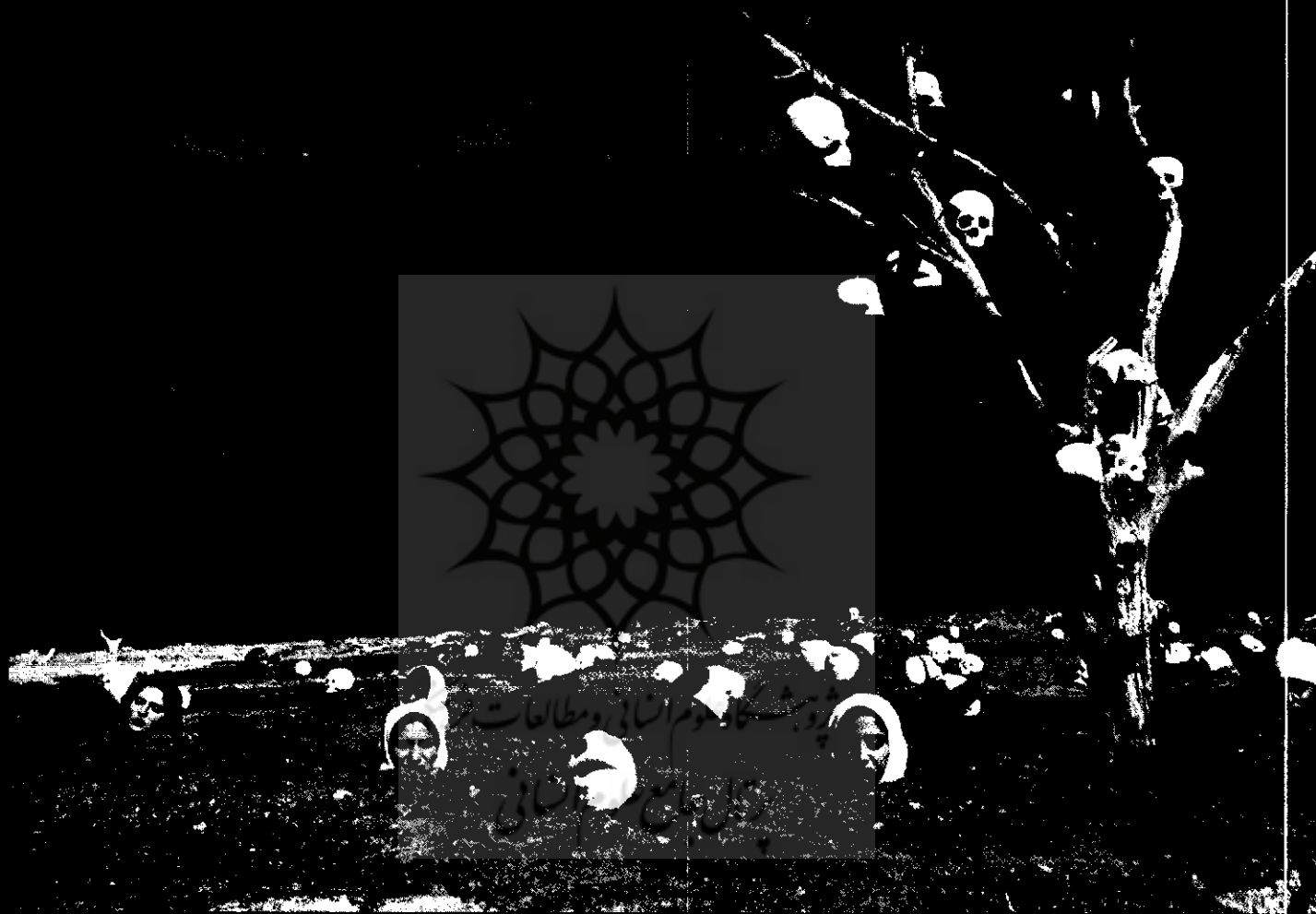


باز هم سیب داری!

Have you another apple ?



تجربه‌های بایرام فضلی به‌عنوان فیلم‌بردار فیلم‌سبک و مینکر، و سازنده چند فیلم کوتاه - از جمله فیلم چاه، که در جشنواره‌های متعددی به نمایش درآمده - به او این توانایی را داده که به‌خوبی از پس پروژه‌های چالش‌برانگیزی چون این فیلم بریاید.

تصاویر و فضاسازی‌های فیلم در سینمای ایران پرشی سه‌گام به جلوست. حرکات دوربین با وسایل ابتدایی‌ای که فضلی خود، آن‌ها را ساخته است، جلوه‌ای به تصاویر داده که می‌توان آن را با یکی از کارهای اخیر سینمایی هالیوود اشتباه گرفت. چنین درجه‌ای از کمال‌گرایی برای یک فیلمساز تازه‌کار و فیلم‌بردار

باز هم سیب داری؟ اولین فیلم بلند بایرام فضلی در مقام کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، طراح صحنه و لباس و سرمایه‌گذار است. فیلم‌بردار فیلم یکی از درخشان‌ترین و شاخص‌ترین کارهای پرونده اوست که به‌جرات می‌توان گفت در حال حاضر در این عرصه بی‌رقیب به‌نظر می‌رسد.

باز هم سیب داری؟ به سادگی قصه‌های کودکی آغاز می‌شود و به‌مرور تبدیل به دنیای وهم‌انگیز و نمادینی می‌شود که آینه عصر ماست. فضلی به‌مدد طنز بدیع و گزنده‌اش لایه‌های گوناگون فیلم را که در قالب روایتی ادبسه‌وار بیان شده، به هم پیوند می‌زند.



کهنه‌کار می‌تواند او را به یکی از بهترین‌ها در این عرصه بدل کند؛ مگر دستی از جیب سرمایه و یا کمندی از دست کم‌خواهان. او را از جایگاهش پایین بکشد. در آغاز فیلم نوشته‌ای می‌آید که در آن از قومی خون‌خوار و قدرت‌طلب به نام «داس‌داران» نام برده می‌شود که در برهه‌ای از تاریخ می‌زیسته‌اند.



بایرام فضلی با انتخاب فضایی بی‌زمان و مکان که در آن مردم به لباس‌هایی متعلق به قوم‌ها و دوره‌های گوناگون شرقی و غربی ملبس هستند و استفاده از عناصری که به لحاظ زمانی ناهمگون‌اند، هوشمندانه به مفاهیم فیلم ابعاد گسترده‌تری داده است. از طرفی داس‌داران اسب‌سوار با سرداری‌های سیاه بر مردم شورشی می‌تازند و از سویی دیگر قهرمان داستان با بارانی کهنه و پایچه‌های سفید و کتشفش راکب موتورسیکلت است. قهرمان فیلم همان حسن کچل قصه‌ها هست و نیست. حسن کچلی که جز از نیازهایش از چیز دیگری باخبر نیست و در رویارویی با دنیای بیرون از خانه، شکلی عجیب به خود می‌گیرد.



در سرزمین خواب، برای لقمه نانی، موجب می‌شود داس‌داران مردمی را که برای حفظ جان‌شان خود را به خواب زده‌اند، از دم تیغ بگذرانند و در سرزمین مردمی که برای دفع خطر می‌گریزند، تصمیم می‌گیرد که ناجی شود و در مقابل داس‌داران بایستد.

کلیشه‌هایی که همه با آن آشنا هستیم. در این فیلم جامه می‌درند و به‌شکلی کاملاً غیرمنتظره رخ می‌نمایانند. زمانی که داس‌داران برای تهدید فراری‌ها اسلحه‌های‌شان را روی شقیقه‌های خود می‌گذارند، می‌فهمیم که فقط خندیدن برای مان کافی نیست. چراکه ما با روایتی تازه روبه‌رو هستیم. بی‌تا شباهنگ



عکس نما داده عباسی

